

## تأثیر نحوه ی کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصادی

حسین علی یاسین العابدی<sup>۱</sup>

مریم امامی میبدی<sup>۲</sup>

### چکیده

پرداختن به موضوع نحوه ی کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصاد عراق از این منظر که می تواند احتمال وقوع نفرین منابع را نشان دهد، اهمیت می یابد. از این رو سنجیدن میزان وابستگی بودجه کشور عراق به درآمد نفتی و بررسی اثر سهم هر کدام از منابع درآمدی در تامین مالی دولت بر روی رشد اقتصادی، با توجه به امکان وقوع پدیده نفرین منابع در کشور عراق مورد توجه مطالعه حاضر است. لذا هدف اصلی این پژوهش هدف از تحقیق بررسی تاثیر سهم درآمد نفتی و درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور عراق و مقایسه سهم درآمد مالیاتی با سهم درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق بوده است. در این پژوهش برای بررسی اهداف و فرضیات از الگوی خودرگرسیون با وقفه گسترده در فاصله زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ بصورت فصلی استفاده شده است. بر اساس نتایج فرضیه اول، دوم و فرضیه سوم تحقیق تایید شدند. به بیان بهتر درآمد نفت و درآمد مالیاتی هر دو دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی عراق داشته اند و همچنین در تایید فرضیه سوم اثر درآمد نفتی بزرگتر از درآمد مالیاتی بوده است که نشان می دهد، تامین مالی دولت عراق بیشتر از طریق درآمد نفتی بوده و نشان دهنده متکی بودن اقتصاد این کشور به درآمد های نفتی می باشد. از طرفی، افزایش درآمد مالیاتی دولت و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در بلند مدت برای برنامه ریزی بلندمدت در کشور عراق قابل تامل می باشد.

واژگان کلیدی: درآمد مالیاتی، درآمد نفتی، رشد اقتصادی

طبقه بندی JEL:  $O_{42}$ ,  $O_{41}$ ,  $H_{71}$ ,  $H_{27}$

<sup>۱</sup> - گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (hhh666983@gmail.com)

<sup>۲</sup> - گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران (نویسنده مسئول) (m.emami@shaiu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

ایجاد و پایداری رشد اقتصادی اصلی‌ترین هدف اقتصادی کشورهای در حال توسعه است، که با توجه به نقش و اهمیت دولت در اقتصاد کلان، نحوه تامین مالی دولت و سیاست‌های اتخاذی آن دارای جایگاه ویژه‌ای در راستای دستیابی به این هدف است. فعالیت‌های اقتصادی دولت در عین حالی که، اهداف اجتماعی را مدنظر دارد بر عملکرد بخش خصوصی تاثیر می‌گذارد. از طرفی، در کشورهای در حال توسعه که حیطه فعالیت دولت به علت ضعف عملکرد بخش خصوصی گسترده است، بودجه دولت و نحوه تامین آن نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری اقتصادی برعهده دارد. در حال حاضر در کشور عراق نقش دولت نسبت به بخش خصوصی برجسته‌تر شده و دولت نقش اصلی را در مسیر رشد اقتصادی برعهده دارد. دستاوردهای تجربی در بیشتر کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد، که درآمدهای مالیاتی یکی از مهمترین منابع درآمدی در این کشورها بوده و مالیات نقش قابل توجهی در اعمال سیاست‌های اقتصادی در این کشورها ایفا می‌کند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه دارای منابع طبیعی معمولاً نظام مالیاتی ناکارآمد بوده، و درآمد مالیاتی قادر به تامین اهداف مالی دولت نیستند. از آنجایی که کشور عراق برخوردار از منابع عظیم نفتی است، درآمدهای حاصل از این منابع به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت است. نکات بسیار مهمی در رابطه با استفاده از درآمدهای نفتی در مقایسه با درآمدهای مالیاتی وجود دارد. درآمدهای نفتی جزء سرمایه‌های کشور است. چنانچه این سرمایه صرف هزینه‌های زودگذر شود عملاً از بین خواهد رفت، اقتصاد متکی به نفت مشکلاتی چون بیماری هلندی، کم توجهی به توانمندی‌ها و مزیت‌های کشور را در پی خواهد داشت. همچنین، با توجه به پایان‌پذیری چنین منابعی، در صورتی که وابستگی به درآمدهای نفتی ادامه پیدا کند، با تهی شدن این منابع، مشکلات عدیده‌ای در اقتصاد بروز خواهد کرد، از جمله، وابستگی و تأثیرپذیری اقتصاد داخل از سایر اقتصادها و تشدید بی‌ثبات اقتصادی است. و نیز، به دلیل نوسانات درآمدهای نفتی، تعیین میزان کسری بودجه به سادگی امکان‌پذیر نیست و در بلندمدت، فروش سرمایه به منظور تامین مخارج جاری و روزمره، عدم رشد ظرفیت‌های اقتصاد داخلی، انتقال شوک‌های مثبت و منفی به صورت برونزا به اقتصاد کشور، گسترش نامتعارف اندازه‌ی دولت و تضییع حقوق نسل‌های آتی را سبب می‌شود [10] (Niazi, 2017).

لذا، کاهش تدریجی وابستگی به نفت ضروری است و بهترین جایگزین درآمدی، درآمدهای مالیاتی است. در مورد تاثیر مالیات‌ها بر متغیرهای کلان دو دیدگاه مطرح است: در دیدگاه اول؛ طرف تقاضای اقتصاد که براساس آن مالیات‌ها می‌توانند به عنوان عاملی برای ایجاد تعادل در اقتصاد کلان از طریق مدیریت تقاضا، نقش قابل توجهی را ایفا نمایند. سیاست‌های مالیاتی از کانال میل‌نهایی به مصرف و سرمایه‌گذاری مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری را متاثر و طرف تقاضای کل جامعه را کنترل می‌نماید. اما در دیدگاه دوم؛ طرف عرضه اقتصاد تولید ملی تحت تاثیر عملکرد مالیات‌ها قرار می‌گیرد. و معتقد بر اساس منحنی لافر، کاهش مالیات ممکن است، به قدری مؤثر واقع شود که، از طریق افزایش کار و تولید نه تنها تورم را کاهش داده، بلکه درآمدهای مالیاتی نیز افزایش



خواهد یافت [2] (Babki and Efti, 2022). بنابراین، باتوجه به اهمیت نحوه‌ی تامین درآمد دولت و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در این تحقیق در چارچوب بررسی تاثیر نحوه‌ی کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصادی در کشور عراق فرضیات زیر بررسی شده است: فرضیه اول: درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تاثیر دارد. فرضیه دوم: درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تاثیر است. فرضیه سوم: سهم درآمد مالیاتی نسبت به سهم درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق چگونه است. در نهایت، ساختار مقاله ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان می‌شود و سپس، الگوی تحقیق و یافته‌های تحقیق و در آخر، نتایج تحقیق تبیین می‌گردد.

## ۲. مبانی نظری

تأثیر درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصاد کشورهای نفتی در کوتاه‌مدت بر طرف تقاضا و در بلندمدت بر طرف عرضه است و کلاً بصورت رانت در اقتصاد ظاهر می‌شود. در کوتاه مدت، افزایش رانت نفت از کانال کاهش نرخ ارز، موجب کاهش قدرت رقابت-پذیری تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی و از دست رفتن بخشی از بازارهای داخلی و صادراتی شده و بخشی از اثرات رونق اقتصادی کوتاه مدت را محدود می‌نماید. اما، در بلندمدت، افزایش رانت منابع نفتی بر عملکرد تولید از مسیر طرف عرضه، از سه کانال؛ عرضه کالا و خدمات عمومی، رانت جویی و اثر تغییر نهادی که خود از مسیر رانت جویی و فرایند تکنولوژی اثر تولیدی خود را برجای می‌گذارد. اثر عرضه کالا و خدمات عمومی به صورت افزایش درآمدهای دولت از محل درآمدهای نفتی، سبب افزایش مخارج دولت خواهد شد، این مخارج به صورت کلی صرف هزینه‌های مصرفی و عمرانی می‌گردد و به طور مستقیم اثر مثبت بر تولید در بلندمدت برجای می‌گذارد. وجود منابع عظیم رانت در دولت رانتی و تبدیل دولت به کانون تخصیص دهنده و توزیع کننده رانت، سبب ایجاد اثر رانت جویی می‌شود. تلاش عوامل رانت جو جهت بهره‌برداری از فرصت‌های بالقوه کسب منفعت از دولت به عنوان منبع عظیم رانت، موجب نفوذ گسترده آنان در دولت و تغییر ساختاری دولت در جهت تأمین منافع فعالیت‌های رانت جویی نامولد نسبت به فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌شود. در چنین شرایطی دستیابی به چرخه‌ی رانت، نسبت به کارایی تولید اهمیت بیشتری دارد. در واقع، انگیزه برای کارآفرینی در زمینه‌های تولیدی اقتصاد ضعیف شده و کارآفرینان اقتصادی ترجیح می‌دهند تا با سوء استفاده از نهادهای ضعیف، رانت بالایی را کسب نمایند و از فعالیت‌های تولیدی که درآمد نسبی کمتری خواهند داشت، خارج گردند. اما، اثر تغییر نهادی به این صورت است که، افزایش رانت نفت سبب تقویت تلاش‌های گروه‌های رانت جو جهت گسترش نفوذ و بهره‌برداری از منابع رانت شده و در نهایت، به تضعیف ساختار نهادی و کاهش کیفیت آن خواهد گردید [12] (Sameti et al, 2020).

استیونس در مطالعه‌ی خود، مکانیسم‌های اثرگذاری منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را به صورت زیر بیان می‌کند؛ (۱) کاهش بلندمدت در رابطه‌ی مبادله، (۲) نوسان درآمدها، (۳) بیماری هلندی، (۴) اثر جایگزینی (جبرانی) و (۵) افزایش مداخله‌ی دولت در اقتصاد [3] (Barghi Oskooi et al, 2020).

از طرف دیگر، گیلفاسون چهار بستر و مکانیسم اصلی را برای اثرگذاری منابع طبیعی و از جمله درآمدهای نفتی بر کندی رشد اقتصادی در ادبیات علم اقتصاد، شناسایی و پیشنهاد کرده است که عبارت است از؛ (۱) بیماری هلندی و سرمایه‌ی خارجی، (۲) رانت جویی و فساد مالی، (۳) آموزش و سرمایه‌ی انسانی و (۴) پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌ی فیزیکی [8] (Kheirollahporsaraee et al, 2022).



اما، تأثیرات مالیات‌ها بر رشد اقتصادی از طریق سه طریق است؛ (۱) اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، (۲) اثر بر انباشت عوامل تولید و (۳) تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) می‌باشد. در بخش اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، عملکرد مالیات‌ها، بسیاری از بنگاه‌ها در تصمیمات تخصیصی خود ناچار به تجدیدنظر شده و با بروز انحراف در تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها حتماً زیان خالصی در رفاه اجتماعی ایجاد می‌گردد. بدین شکل که، اگر تابع تولید کل اقتصاد به فرم کاب داگلاس باشد، با برقراری مالیات بر درآمد افراد، درآمدخالص از مالیات برابر است با؛

$$Y = (1 - t)A_t K_t^a L_t^{1-t} \quad (1)$$

باوجود مالیات بر درآمد، نرخ بازدهی سرمایه نیز برابر است با؛

$$r_t = (1 - t)aA_t \left(\frac{K_t}{L_t}\right)^{a-1} \quad (2)$$

بنابراین، باوجود مالیات بر درآمد، بازدهی نهایی سرمایه را کاهش و انگیزه انباشت سرمایه در میان افراد و نیز رشد اقتصادی متأثر می‌شود.

اما، تأثیر مالیات‌ها در رشد اقتصادی از بخش اثر بر انباشت عوامل تولید، بدین صورت است که، افزایش در مالیات منجر به کاهش پس‌انداز و سپس، کاهش انگیزه انباشت سرمایه فیزیکی (K) می‌شود. البته، عامل سرمایه انسانی (H) در این بخش حائز اهمیت است. به طوری که، اگر در تولید سرمایه انسانی تنها وابسته به سرمایه انسانی باشد<sup>۱</sup>، کاهش در میزان سرمایه فیزیکی به طور کامل، از طریق افزایش در میزان سرمایه انسانی جبران شده و در نهایت، اقتصاد به وضعیت پیش از اخذ مالیات برگشته و افزایش در مالیات بر رشد اقتصادی تأثیری نداشته است؛

$$T \uparrow \rightarrow K \downarrow \rightarrow H \uparrow \Rightarrow gr = 0$$

حال اگر، در تولید ترکیبی از سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی به طور هم‌زمان مدنظر باشد؛ در این شرایط با کاهش سطح سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی قادر نخواهد بود، به طور کامل کاهش آن را جبران نماید و در نتیجه، رشد اقتصادی برابر کاهش سرمایه فیزیکی، کاهش خواهد یافت.

$$T \uparrow \rightarrow K \downarrow \rightarrow H \uparrow \Rightarrow gr < 0$$

درمورد، تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D)، عملکرد مالیات‌ها بصورت معافیت مالیاتی برای بخش‌های اقتصادی مولد بروز می‌نماید. البته، معافیت مالیاتی به دو شکل نمایان می‌شود؛ در شکل اول؛ اگر معافیت مالیات منجر به رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد شود، در بلندمدت می‌تواند، انتظار افزایش رشد اقتصادی را داشت، اما، در شکل دوم، اگر معافیت مالیاتی به اهداف رانت‌جویانه اختصاص یابد، سبب انحراف در تخصیص صحیح منابع در اقتصاد شده و در بلندمدت آثار منفی بر رشد اقتصادی دارد [5] (Di Sanzo et al, 2017).

### ۳. پیشینه پژوهش

به دلیل این که تحقیق مزبور برای کشور عراق صورت گرفته است. لذا ابتدا، مطالعات داخلی کشور عراق بیان و سپس در بخش مطالعات خارجی سایر مطالعات از جمله کشور ایران بیان می‌شود.

#### ۱-۳. مطالعات داخلی کشور عراق

<sup>۱</sup> - البته اینکه سرمایه انسانی تا چه حد بتواند کاهش صورت گرفته را جبران نماید، بستگی به شکل تکنولوژی دارد (در این بحث تکنولوژی ثابت فرض شده است).

لیودمیلا<sup>۱</sup>(۲۰۲۱)، به بررسی علل بحران اقتصادی در عراق با توجه به وابستگی شدید اقتصاد عراق به نفت پرداخته است. کشور عراق ششمین تولیدکننده نفت خام و سومین صادرکننده سوخت مایع است. اما، کشور عراق در میان کشورهای با درآمد متوسط یکی از کشورهای دارای نرخ فقر بالا می‌باشد. نوسانات شدید در قیمت جهانی نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی نیاز به تنوع اقتصادی و اصلاحات ساختاری به منظور کاهش چشمگیر وابستگی اقتصاد عراق به نفت را بیان می‌نماید. بنابراین، بهتر است این کشور جایگزین مناسب برای درآمدهای نفتی یافته و در این راستا توجه به صنایع غیرنفتی در بخش خصوصی (از جمله؛ کشاورزی و صنایع غذایی)، اصلاحات تجارت خارجی، بهبود فضای سرمایه گذاری در چارچوب قانونی و نظارتی برای روابط اقتصادی خارجی، همکاری تجاری و سرمایه گذاری بین روسیه و عراق و خصوصا توجه به کسب درآمد از بخش درآمدهای مالیاتی مدنظر قرار گیرد [9](Ljudmila, 2021).

الطایی بوشرا و همکاران<sup>۲</sup>(۲۰۱۷)، در مقاله‌ای به بررسی نقش مالیات بندرگاهی بر توسعه درآمدهای مالیاتی و بازتاب آن بر درآمد عمومی در عراق بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق معرف آن بوده، که اهمیت تحلیل ساختار درآمدهای عمومی با مالیات بندرگاهی ارتباط داشته و در سال ۲۰۰۳ با تغییر رژیم از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد بازار تبدیل شده و نرخ درآمد مالیاتی رشد کرده است [1](Al-taie. Bushra et al, 2017).

### ۲-۳. مطالعات خارجی

کلر<sup>۳</sup>(۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر مالیات بردرآمدهای غیرنفتی در کشورهای صادرکننده نفت با استفاده از روش کنترل مصنوعی پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که سرانه مالیات بردرآمدهای غیرنفتی در کشورهای صادرکننده نفت به طور متوسط ۱۴ درصد کمتر است. البته، در کشورهای صادرکننده نفت با سطح کیفی نهادی پایین که به شدت وابسته به نفت هستند، استفاده از ابزارهای مالیاتی را به جای ابزارهای غیرمالیاتی ترجیح می‌دهند و نیز پویایی اثر در کشورهای دارای بخش نفت دولتی در مقایسه با بخش نفت خصوصی متفاوت است [7](Keller, 2022).

اومادرو و آلگو<sup>۴</sup>(۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر منابع نفت خام و درآمد مالیاتی بر توسعه اقتصادی نیجریه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ با استفاده از روش رگرسیون چندگانه پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که درآمد نفت خام در تأثیرگذاری بر توسعه نیجریه ناچیز بوده و به طور مساوی، نرخ ارز و تورم هر دو دارای تأثیر منفی قابل توجهی بر توسعه این کشور داشته‌اند. در مقابل، درآمد مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه داشته است [11](Omodero and Alege, 2021).

جعفری و همکاران (۲۰۲۱)، در یک مطالعه اثر جایگزینی درآمد نفت با مالیات بر رفاه طول عمر با تأکید بر نقش نهادهای حاکمیتی (الگوی نسل‌های هم‌پوشان) با استفاده از روش حداقل مربعات پویا طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۶ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق معرف آن است که، رابطه‌ای به شکل U معکوس بین سهم درآمد نفت از تولید با شاخص‌های نهادی و رابطه مستقیم بین سهم درآمد مالیات از تولید وجود داشته و نیز اثر شاخص‌های نهادی بر رفاه طول عمر اثر معناداری را نشان نداده است [6](Jafari et al, 2021).

<sup>۱</sup>.Ljudmila

<sup>۲</sup>.Al-taie. Bushra.

<sup>۳</sup>.Keller

<sup>۴</sup>.Omodero. and. Alege



در نهایت، باتوجه به اهمیت نحوه کسب درآمد دولت بر متغیرهای اقتصادی و این که بیشتر این مطالعات در کشورهای صادرکننده کننده نفت به صورت صرفاً تمرکز بر آثار درآمدهای نفتی بوده و نیز فقدان مطالعه منسجم در کشور عراق در این تحقیق سعی شده است، به بررسی همزمان درآمدهای نفتی و مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور در کشور عراق پرداخته شود.

#### ۴. روش تحقیق

در این مطالعه برای دستیابی به اهداف تحقیق، از مدل رشد بارو<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) که براساس اهداف تعدیل شده است، استفاده شده است. در مدل رشد بارو تابع تولید کشور به گونه ای است که، علاوه بر متغیرهای معمول سرمایه و نیروی کار مبحث هزینه های دولت نیز مطرح است. در مدل بارو (۱۹۹۰) مخارج عمومی دولت جنبه مولد دارند و صرف نهاده های عمومی می شوند. در این مطالعه برای بررسی تاثیر نحوه کسب درآمدهای دولت بر رشد اقتصاد عراق، از دو نسبت درآمدهای مالیاتی به مخارج دولت و نسبت درآمدهای نفتی به مخارج دولت در تابع تولید کل کشور استفاده می شود. بنابراین، تابع تولید کل کشور تابعی از؛ سرمایه (K)، نیروی کار (L)، نسبت درآمدهای مالیاتی به مخارج دولت ( $G_T$ ) و نسبت درآمدهای نفتی به مخارج دولت ( $G_O$ ) است:

$$Y = F(K, L, G_T, G_O) \quad (3)$$

این تابع همگن از درجه یک است و تولیدنهایی مخارج دولت مثبت در نظر گرفته شده، کل هزینه های دولت از طریق مالیات و درآمد نفتی تامین می شود.

$$G = G_T + G_O \quad (4)$$

مطابق قانون بارو، وجود دولت بهینه بدان معنا است که، تولیدنهایی مخارج عمومی برابر واحد باشد. بنابراین، یک واحد (بر حسب واحد پول) افزایش در مخارج دولت، سبب افزایش یک واحد در ارزش محصول می شود.

$$\frac{G}{G} = \frac{TAX}{G} + \frac{OIL}{G} = 1 \quad (5)$$

باتوجه به رابطه (۳)، تولیدنهایی مخارج دولت از منبع تامین مالی بدین شرح است؛

$$MP_\alpha = \frac{\partial Y}{\partial G_T} = \frac{\partial F}{\partial G_T} \quad (6)$$

$$MP_\beta = \frac{\partial Y}{\partial G_O} = \frac{\partial F}{\partial G_O} \quad (7)$$

$$MP_\alpha + MP_\beta = \frac{\partial Y}{\partial G_T} + \frac{\partial Y}{\partial G_O} = \frac{\partial F}{\partial G_T} + \frac{\partial F}{\partial G_O} \quad (8)$$

$MP_\alpha$ ؛ تولیدنهایی مخارج دولت که با مالیات تامین مالی شده،  $MP_\beta$ ؛ تولیدنهایی مخارج دولت که با درآمد نفت تامین مالی شده است. از طرف دیگر:

$$\frac{\partial Y}{\partial t} = \frac{\partial F}{\partial K} \frac{\partial K}{\partial t} + \frac{\partial F}{\partial L} \frac{\partial L}{\partial t} + \frac{\partial F}{\partial G_T} \frac{\partial G_T}{\partial t} + \frac{\partial F}{\partial G_O} \frac{\partial G_O}{\partial t} \quad (9)$$

$$Y = \frac{\partial F}{\partial K} K + \frac{\partial F}{\partial L} L + \frac{\partial F}{\partial G_T} g_T + \frac{\partial F}{\partial G_O} g_O \quad (10)$$

$$\frac{Y}{Y} = \frac{\partial F}{\partial K} \frac{K}{Y} + \frac{\partial F}{\partial L} \frac{L}{Y} + \frac{\partial F}{\partial G_T} \frac{g_T}{Y} + \frac{\partial F}{\partial G_O} \frac{g_O}{Y} \quad (11)$$

سپس؛ داریم:

$$\frac{Y}{Y} = MP_K \frac{K}{Y} + MP_L \frac{L}{Y} + MP_\alpha \frac{g_T}{Y} + MP_\beta \frac{g_O}{Y} \quad (12)$$

که در آن؛ MPK، تولیدنهایی سرمایه،  $MP_L$ ، تولیدنهایی نیروی کار،  $\frac{K}{Y}$ ، نسبت سرمایه به تولید،  $\frac{L}{Y}$ ، نسبت نیروی کار به تولید،  $\frac{gT}{Y}$ ، نسبت مخارج دولت تامین مالی شده با مالیات و  $\frac{gO}{Y}$ ، نسبت مخارج دولت تامین مالی شده با درآمد نفتی است [4] (Barro, 1990).  
 با توجه به رابطه (۱۲)، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رابطه (۱۳) تخمین زده شده است:

$$LGDP_{t-n} = \alpha_1 + \beta_1 LK_{t-n} + \beta_2 LLF_{t-n} + \beta_3 LTAX_{t-n} + \beta_4 LOIL_{t-n} + \beta_5 DUM_{t-n} + U_t \quad (13)$$

که در این رابطه؛

LGDP؛ لگاریتم تولید ناخالص داخلی (به عنوان شاخص رشد اقتصادی)، LK؛ لگاریتم حجم سرمایه، LLF؛ لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی (نیروی کار)، LOIL؛ لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی، LTAX؛ لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، DUM؛ متغیر مجازی حضور داعش در عراق (در فاصله‌ی زمانی فصل پاییز ۲۰۱۴ تا پاییز ۲۰۱۷) است. رابطه (۱۳)، از روش ARDL با استفاده از داده‌های فصلی بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۲۰ تخمین زده شده است.

### ۵. یافته‌های پژوهش

قبل از تخمین مدل لازم است، جهت جلوگیری از مشکل رگرسیون کاذب بررسی مانایی متغیرهای تحقیق صورت پذیرد. بر این اساس، بلحاظ استفاده از داده‌های فصلی برای بررسی مانایی داده‌های تحقیق از آزمون هایلبرگ، انگل، گرنجر، یو (HEGY) استفاده شده است.

جدول ۱، نتایج آزمون هگی و مانایی متغیرها

نام متغیر	نشانه متغیر	مقادیر بحرانی ۰/۰۵	P value	نتیجه
رشد اقتصادی	LGDP	۲۳/۱۴	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم حجم سرمایه	LK	۱۹/۰۲	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی	LLF	۳۱/۰۷	۰/۰۸۴	نامانا در سطح
لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی	LOIL	۲۰/۳۶	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	LTAX	-۱/۱۶۶	۰/۶۸۱	نامانا در سطح

محاسبات محقق

باتوجه به جدول (۱)، متغیر لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی و لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی مانا در سطح نمی‌باشند و باتوجه به مبانی تئوریک از روش ARDL تخمین زده می‌شوند. باتوجه به این که حتما باید در تخمین مدل تحقیق فروض کلاسیک مدنظر قرار گیرد، تا نتایج تحقیق برای تفسیر فرضیه‌های تحقیق قابل استناد باشد. بر این اساس، ابتدا، در جدول (۲)، نتایج تخمین مدل کوتاه مدت با آزمون‌های تشخیصی بیان شده، سپس، در مرحله بعد با تفسیر روابط بلندمدت متغیرهای تحقیق در تکمیل تفسیر فرضیات بیان شده است.

### ۱-۵. برآورد مدل‌های کوتاه مدت تحقیق

باتوجه به نتایج جدول (۲)، آزمون‌های تشخیصی (عدم خود همبستگی، شکل تبعی صحیح، نرمال بودن خطای پسماند و واریانس ناهمسانی) برقراری فروض کلاسیک تایید و نیز با وجود ضریب تعیین ۹۳ درصد و آماره F قدرت توضیح دهنده‌ی بالای مدل تایید می‌شود. از طرفی، بلحاظ کمتر بودن مشاهدات تحقیق از ۱۰۰ مشاهده از معیار شوارز-بیزین برای تعیین وقفه‌های بهینه مدل استفاده شده که تعداد وقفه‌های بهینه متغیرهای تحقیق برابر با  $ARDL(3,1,2,3,1)$  است. میزان معنی دار بودن ضرایب در جدول (۲)، کاملا تفسیر شده است.



باتوجه به نتایج جدول (۲)، رشد اقتصادی، تا یک دوره تحت تاثیر وقفه‌های رشد اقتصادی کشور عراق است و سایر وقفه‌ها براساس بی معنا شدن وقفه دوم قابل تفسیر نیست. براین اساس، درصد رشد اقتصادی کشور عراق زمینه ۱/۱۷ درصد رشد اقتصادی در فصل بعد را فراهم می‌نماید.

ضریب متغیر لگاریتم حجم سرمایه در سطح معنادار بوده و علامت آن موافق نظریه شده است. یک درصد افزایش لگاریتم حجم سرمایه در سال جاری ۰/۰۷ درصد و با یک فصل وقفه ۰/۰۶ درصد موجب بهبود رشد اقتصادی می‌شود.

جدول (۲) نتایج برآورد مدل کوتاه مدت تحقیق

متغیرها	ضریب	سطح معنی داری	متغیرها	ضریب	سطح معنی داری
LGDP(-1)	۱/۱۱۷(۱۲/۷۴)	معنی دار است	LOIL	۰/۳۷(۱۳/۱۷)	معنی دار است
LGDP(-2)	-۰/۱۵(-۱/۳۶)	بی معنی است	LOIL(-1)	۰/۴۳(۶/۶۳)	معنی دار است
LGDP(-3)	-۰/۲۴(-۳/۲۰)	معنی دار است	LOIL(-2)	۰/۰۸۵(۱/۳۴)	بی معنی است
LK	۰/۰۷(۳/۱۲)	معنی دار است	LOIL(-3)	۰/۰۹۳(۲/۲۳)	معنی دار است
LK(-1)	۰/۰۶(۲/۶۳)	بی معنی است	LTAX	۰/۱۶(۵/۱۷)	معنی دار است
LIF	۲/۱۴(۸/۶۳)	معنی دار است	LTAX(-1)	۰/۱۴(۴/۵۰)	معنی دار است
LIF(-1)	-۲/۸۴(-۵/۸۲)	معنی دار است	DUM	-۰/۰۱۳(-۲/۸۰)	معنی دار است
LIF(-2)	۰/۷۸(۰/۳۱)	معنی دار است	C	۰/۰۱۹(۰/۰۲۵)	بی معنی است

$R^2=۰/۹۹$      $D.W=۱/۹۴$      $F(prob)=۳۳۱۸/۵(۰/۰۰۰)$      $Normality= ۱/۴۵(۰/۶۸)$      $Functional Form= ۰/۶۲(۰/۴۵)$   
 Serial correlation  $LM=۰/۲۵۳(۰/۶۲)$      $Heteroscedasticity=۶۱۷(۰/۳۶)$      $ARDL(3,1,2,3,1)$

ماخذ: محاسبات محقق - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره  $t$  است.

متغیر لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی معنی دار و علامت آن موافق نظریه است. بنابراین، یک درصد افزایش لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی دارای اثر قابل توجه و برابر ۲/۱۴ درصد بر رشد اقتصادی کشور عراق است که نشان دهنده کاربرد بودن تولید و عدم به کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته در بخش‌های صنعت و کشاورزی در این کشور می‌باشد. وقفه متغیر لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی دارای علامت مخالف با سطح به دست آمده است و از این رو قابل تفسیر نیست.

در جدول (۲)، برای متغیر لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی ۴ وقفه در نظر گرفته است، که نشان دهنده اثر بلندمدت این متغیر بر رشد اقتصادی کشور عراق می‌باشد. براین اساس، افزایش لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی به اندازه یک درصد موجب تحریک در جهت مثبت رشد اقتصادی عراق در فصل جاری برابر ۰/۳۷ درصد، با یک فصل وقفه به اندازه ۰/۴۳ درصد، در فصل سوم برابر ۰/۰۸۵ درصد و در وقفه چهارم برابر ۰/۰۹۳ درصد می‌شود. این اثر در فصل دوم نسبت به فصل اول تقویت شده است اما در فصل‌های دوم و سوم میزان اثرگذاری کاهش یافته است.

اما، اثر متغیر لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی مثبت، موافق مبانی نظری و تا دو وقفه معنی دار است. یک درصد افزایش لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در فصل جاری سبب افزایش رشد اقتصادی عراق به اندازه ۰/۱۶ درصد و در وقفه دوم به اندازه ۰/۱۴ درصد می‌شود. در این برآورد عرض از مبدأ معنادار نشده است.

## ۲-۵. برآورد مدل‌های بلندمدت تحقیق

باتوجه به نتایج آماره  $F$  در آزمون کرانه‌ها در مدل تحقیق که برابر با ۹/۹۰۸ که بیشتر از حد بالای تخمین است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب بلندمدت تحقیق رد شده و می‌توان برای مدل تحقیق تخمین بلندمدت محاسبه نمود.



نتایج اثرات بلندمدت مدل تحقیق در جدول (۳) بیان شده است. در جدول (۳)، نتایج رابطه بلندمدت مربوط به نتایج پژوهش حاکی از آن است، که در بلندمدت، اگر یک درصد لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. به همین ترتیب، با افزایش یک درصدی لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی و لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی رشد اقتصادی در بلندمدت به ترتیب؛ ۰/۴۱ درصد، ۰/۰۹ درصد افزایش می یابد، این اثرگذاریها مثبت و معنی دار خواهند بود، زیرا  $Prob < 0/05$  می باشند. همچنین اثر حمله داعش به عنوان متغیر دامی در بلندمدت نیز اثر منفی خود بر رشد اقتصادی را حفظ کرده است.

جدول (۳) نتایج اثرات بلندمدت مدل تحقیق

متغیر	ضریب	سطح اطمینان
LK	۰/۴۲ (۰/۱۱۲)	بی معنی است
LLF	۰/۴۱ (۲/۰۸۱)	معنی دار است
LOIL	۰/۵۵ (۱۶/۰۳۴)	معنی دار است
LTAX	۰/۰۹۵ (۴/۳۷۱)	معنی دار است
DUM	-۰/۰۵۸ (-۲/۸۵۳)	معنی دار است
C	۰/۰۸۸ (۳/۵۱۶)	بی معنی است

ماخذ: محاسبات محقق - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره  $t$  است.

اما مطابق با نتایج پژوهش متغیر لگاریتم حجم سرمایه در بلندمدت تاثیری بر رشد اقتصادی عراق نخواهد داشت، چون  $Prob$  مربوط به، این عامل بالای ۰/۰۵ است. عدم معنی داری این عامل ممکن است، به خاطر وابستگی این متغیر به درآمد نفتی باشد.

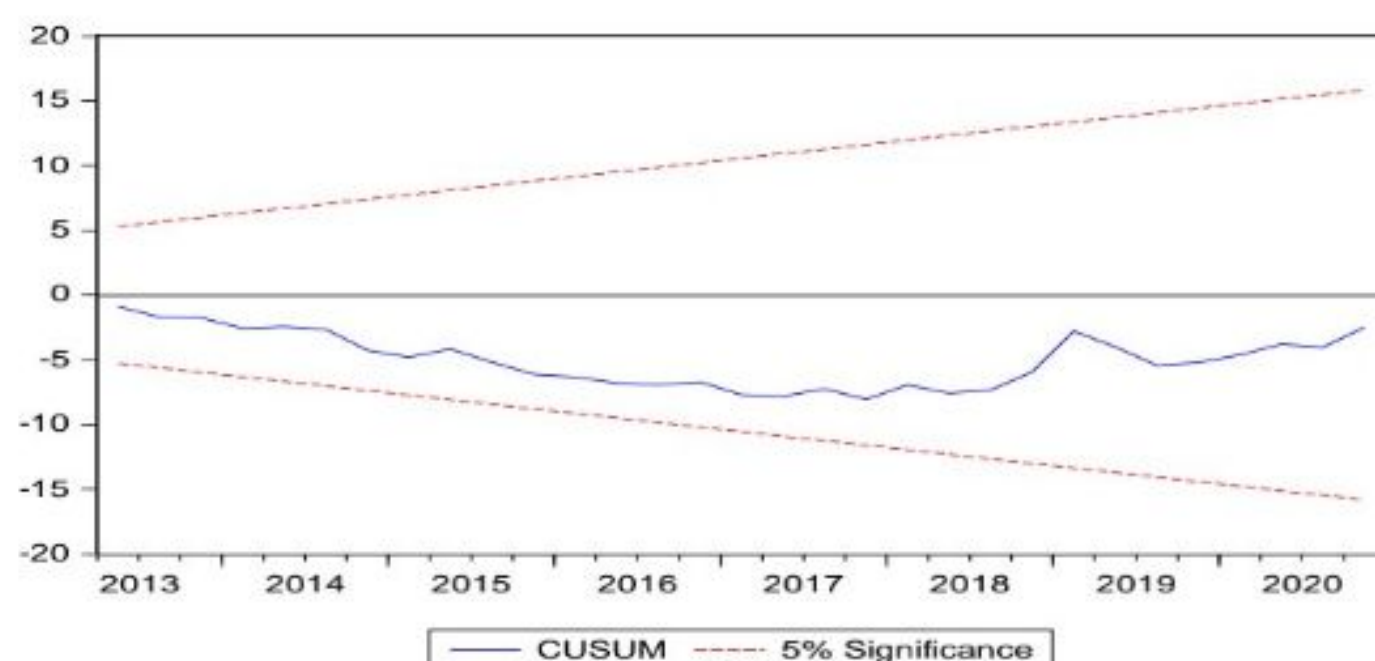
### ۳-۵. برآورد الگوی تصحیح خطا مدل تحقیق

پس از بررسی روابط بلندمدت متغیرهای تحقیق، به بررسی سرعت تعدیل از الگوی تصحیح خطا (ECM) پرداخته شده و باتوجه به این که، ضرایب تصحیح خطا معنی دار، منفی، کوچکتر از یک بودند، قدرمطلق ضریب تصحیح خطا معرف وجود رابطه بلندمدت و معنی دار بین متغیرهای مدل تحقیق است. در آزمون همگرایی، ضریب تصحیح خطا  $(ECM(-1))$ ، برابر ۰/۲۲- است که نشان می دهد شکاف بین کوتاه مدت و بلندمدت همگرا بوده و در هر دوره به اندازه ۲۲ درصد و به صورت نمایی تعدیل خواهد شد.

### ۴-۵. برآورد الگوی پایداری ساختاری مدل تحقیق

پایداری ضرایب با آزمون CUSUM بررسی می شود که، نتایج آزمون معرف آن است که ضرایب مدل برآورد شده طی دوره مورد بررسی پایدار است. همانطور که، نتایج تخمین و نمودارهای پسماند تجمعی و مجذور در نمودار (۱)، نشان می دهند، فاصله اعتماد ۹۵ درصد توسط نمودارهای قطع نشده است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر وجود ثبات ساختاری پذیرفته و وجود عدم آن رد می شود.

نمودار (۱)، نتایج آزمون پایداری ساختاری مدل تحقیق



ماخذ: محاسبات محقق

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اگرچه رسیدن به رشد اقتصادی از اهداف اولیه سیاست‌گذاران اقتصادی در هر کشوری است. اما، اغلب در کشورهای نفتی برای رسیدن به این هدف اتکای بودجه به درآمدهای نفتی در مقابل درآمدهای مالیاتی با مشکلات زیادی روبرو می‌کند. درآمد نفتی به عنوان منبع اصلی تأمین مالی بودجه دولت در کشورهای صادرکننده نفت، پیامدهای خاصی برای اقتصاد این کشورها دارد. یکی از مهمترین آنها ناپایداری درآمدها و کاهش یا افزایش زیاد آن است. به طوری که، افزایش درآمدهای نفتی نیز برای کشورهای متکی به درآمدهای نفتی گاه حتی بیش از کاهش درآمد، اثرات بحرانی (بیماری هلندی) داشته است. باتوجه به اثرگذار بودن نوسانات قیمت و درآمدهای نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل؛ مخارج دولت، تولید، نقدینگی، تورم، نرخ ارز و واردات، بزرگترین چالش این کشورها وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی است، لذا، در چنین شرایطی، عملاً امکان استفاده از سیاست‌های مالیاتی برای ایجاد ثبات اقتصادی وجود ندارد و راهکار اصلی برون رفت از این چالش کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و جایگزین کردن درآمدهای مالیاتی از طریق اصلاح ساختار مالیاتی می‌باشد. بنابراین، ارزیابی میزان وابستگی بودجه کشور عراق به درآمد نفتی و بررسی اثر سهم هر کدام از منابع درآمدی در تأمین مالی این دولت بر روی رشد اقتصادی عراق دارای اهمیت است. و نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران اقتصادی کشور عراق روشن‌گر باشد. در این مطالعه برای دستیابی به اهداف ذکر شده، از مدل رشد بارو (۱۹۹۰) که براساس اهداف تعدیل شده، استفاده شده و با روش ARDL در فاصله زمانی ۲۰۰۸-۲۰۲۰ به صورت تخمین زده شده است.

مطابق نتایج تخمین بلندمدت مدل تحقیق تاثیر لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی کشور عراق تا چهار وقفه بر روی رشد اقتصادی اثر مثبت گذاشته است که حاکی از اثر نسبتاً طولانی درآمد نفتی بر رشد اقتصادی است. بنابراین، لگاریتم نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی عراق است و فرضیه اول، مبنی بر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تاثیر دارد، تایید شده و نتیجه حاصل از پژوهش با نتایج (Jafari et al, 2021)، (Omodero and Alege, 2021)، (Di Sanzo et al, 2017) و (Ljudmila, 2021) هم‌خوانی دارد.

اما، لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی با رشد اقتصادی کشور عراق مثبت و موافق مبانی نظری و تا دو وقفه معنی‌دار است. در نتیجه، لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی عراق است و فرضیه دوم، مبنی بر درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشور عراق تاثیر است، تایید شده و نتیجه حاصل از پژوهش با مطالعات (Omodero)



دارد. (and Alege, 2021)، (Kheirollahporsaraee et al, 2022)، (Sameti et al, 2020) و (Al-taie. Bushra et al, 2017) مطابقت

در مورد، فرضیه سوم، مبنی بر سهم درآمد مالیاتی نسبت به سهم درآمد نفتی بر رشد اقتصادی کشور عراق چگونه است، براساس نتایج پژوهش تایید شد، که سهم درآمد نفتی در رشد اقتصادی کشور عراق بیشتر از درآمد مالیاتی دولت بوده است. در نتیجه تامین مالی دولت عراق بیشتر از طریق درآمد نفتی بوده و نشان دهنده متکی بودن اقتصاد این کشور به درآمدهای نفتی می باشد. نتیجه حاصل از پژوهش با نتایج تحقیقات (Babki and Efti, 2022)، (Omodero and Alege, 2021)، (Jafari et al, 2021) و (Keller, 2022) هم خوانی دارد. تنوع بخشی به درآمدهای دولت با تکیه بر درآمد مالیاتی، زیرا یک ساختار درآمدی متعادل به کاهش زیان های ناشی از تغییرات اقتصادی و یا غیر اقتصادی مربوط به داشتن یک درآمد عمده کمک می کند و از وابستگی مالی سطوح بالای درآمد می کاهد.

با توجه به سهم کم درآمدهای مالیاتی و با توجه به نیاز به تامین مالی دولت هنگام کاهش درآمدهای نفتی، لازم به راهکارهای مناسب برای جلوگیری از فشار مالیاتی بیشتر به مالیات دهندگان اندیشیده شود. از آنجا که یکی از پیامدهای مهم وابستگی درآمدهای مالیاتی به درآمدهای نفتی آن است که میزان اثر بخشی سیاست های مالی دولت تحت تاثیر قرار می گیرد، لذا سیاست گذاران باید به هنگام اعمال سیاست های خود با مطالعات دقیق و علمی میزان تغییرات در درآمدهای نفتی و عکس العمل درآمدهای مالیات را نسبت به این تغییرات مد نظر قرار دهند. سهم واقعی درآمدهای نفتی در کل درآمد های دولت بیش از سهم مستقیم این درآمدها است. به عبارت دیگر بخش از درآمدهای مالیاتی دولت به سبب وجود درآمدهای نفتی به وجود می آید که باید در سیاست گذاری ها مدنظر قرار گیرد.

تعارض منافع: هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد.

### فهرست منابع

- بابکی، روح الله، عفتی، مهناز (۱۳۹۱). تأثیر ساختار مالیات بر رشد اقتصادی. مقاله پژوهشی مالیاتی. ۵۴-۲۹. (۱۰۲)۵۴.
- برقی اسکویی، محمد مهدی؛ متفکرزاد، محمد علی؛ سلمانی بیشک محمد رضا؛ شکری، مصطفی، (۱۳۹۹). بررسی اثر متقابل مالیات شرکت ها و عدم قطعیت نرخ ارز بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران: رویکرد فازی، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال ۸ (۳۱). ۴۳-۷۵.
- جعفری م، سمتی م، رجیبی م، قبادی س. (۱۳۹۰). تأثیر جایگزینی مالیات بر درآمد نفتی بر طول عمر با تأکید بر نقش نهادهای حاکمیتی (مدل نسل های هم پوشانی). فصلنامه نظریه های اقتصادی کاربردی / سال نهم / شماره ۱ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۱۴۵-۱۷۴.
- خیرالله پورسرایبی م، حاجی گک، فتروس م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر نااطمینانی های نرخ ارز و تورم بر درآمدهای مالیاتی ایران. مجله پژوهشنامه مالیاتی. ۵۲ (۲۹). ۱۰۹-۱۱۳.
- صامتی، م.، محمدی، و.، مظفری، ح.، و اسدی، ف. (۱۳۹۹). بررسی رابطه پویای ساختار مالیات و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر عدم قطعیت. مجله مطالعات اقتصاد کاربردی در ایران. ۸ (۳۲). ۱۶۱-۱۹۳.

taie Bushra Fadhil Khudhair, Flayyih Hakeem Hammood, Talab Hassnain Raghieb and Hussein Noor Abbas. (2017). Role of Tax Havens in the Tax Revenue Development and Its Reflection on the Public

Revenues of the Developing Countries: An Empirical Study in Iraq (2004–2014). *Mediterranean Journal of Social Sciences*. 8(2). 289-299.

Barro, Robert J. (1990). Government spending in a simple model of endogeneous growth. *Journal of Political Economy* 98(5): 103-125.

Di Sanzo, S., Bella, M. & Graziano, G. (2017). Tax Structure and Economic Growth: A Panel Cointegrated VAR Analysis. *Ital Econ J*. 3(1). 239–253.

Keller, Michael. (2022). Oil revenues vs domestic taxation: Deeper insights into the crowding-out effect. *Resources Policy*. 76. 102560. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2022.102560>.

Ljudmila Nikolaevna Rudenko (2021). State and prospects of the Iraqi economy and foreign economic relations. *Russian Foreign Economic Journal*, Russian Foreign Trade Academy Ministry of economic development of the Russian Federation. (1). 60-73.

Niazi Kh (2017). Investigating the effect of different types of taxes on inflation in Iran's economy. Master's thesis, Mazandaran University of Science and Technology.

Omodero, Cordelia Onyinyechi & Alege, Philip Olasupo. (2021). Crude Oil Resources, Tax Revenue and Sustainable Social Development in Nigeria. *International Journal of Energy Economics and Policy*.11(5). 22-27.



# The effect of the government's revenue generation on economic growth

Hossein Ali Yasin Al Abidi<sup>1</sup>

Maryam EmamiMibody<sup>2</sup>

## Abstract

Dealing with the issue of how the government earns revenue is important to the growth of the Iraqi economy from the point of view that it can show the possibility of the curse of resources. Hence, measuring the dependence of Iraq's budget on oil revenue and investigating the effect of the share of each source of income in financing the government on economic growth, considering the possibility of the resource curse phenomenon in Iraq, is the focus of this study. Therefore, the main purpose of this research was to investigate the impact of the share of oil income and tax income on the economic growth of Iraq and to compare the share of tax income with the share of oil income on the economic growth of Iraq. In this research, the autoregression model with a wide break has been used seasonally in the period from 2008 to 2020 to investigate the objectives and assumptions. Based on the results, the first, second and third hypotheses of the research were confirmed. To put it better, both oil income and tax income have had a positive and significant effect on Iraq's economic growth, and also in support of the third hypothesis, the effect of oil income has been greater than tax income, which shows that the financing of the Iraqi government is mostly through oil income and shows that the economy of this country is dependent on oil revenues. On the other hand, the increase in government tax revenue and its effect on economic growth in the long term can be considered for long-term planning in Iraq.

**Key words:** tax revenue, oil revenue, economic growth.

**JEL Classification:** *O42, O41, H71, H27.*

---

<sup>1</sup> - Department of Economic, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (hhh666983@gmail.com)

<sup>2</sup> - Department of Accounting, Shahinshahr Branch, Islamic Azad University, Shahinshahr, Iran (corresponding author) (m.emami@shaiu.ac.ir)